

---

## گزارش نقض حقوق بشر در ایران - آذر ۱۴۰۴

---

### چکیده ماهانه نقض حقوق بشر در ایران:

- اجرای حکم اعدام دست کم ۳۵۴ زندانی
  - صدور ۱۸ حکم اعدام جدید (از جمله ۸ زندانی سیاسی) و تأیید ۵ حکم اعدام دیگر توسط دیوان عالی (شامل ۲ زندانی سیاسی)
  - بازداشت دست کم ۱۸۳ شهروند
  - فوت ۷ زندانی بر اثر عدم رسیدگی پزشکی در زندان‌ها
  - صدور حکم شلاق برای ۱۳ متهم
  - محکومیت ۳۲ متهم سیاسی و عقیدتی به مجموع ۱۷۲ سال و ۶ ماه و ۲۷ روز حبس و ۵۳۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان جزای نقدی
  - بازداشت دست کم ۷ محکوم سیاسی جهت اجرای حکم
  - مرگ ۴۵ کارگر و مصدومیت دست کم ۹۷ کارگر در حوادث ناشی از کار
  - اخراج بیش از ۴۴ کارگر
  - ثبت ۲۱ مورد قتل زنان بر اثر خشونت
  - برگزاری بیش از ۴۳۰ تجمع، راهپیمایی و حرکت اعتراضی
  - تداوم کارزار اعتصاب غذای «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۵ زندان در صدمین هفته اعتراض
  - استمرار تجمع‌های اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعتراضات بازنشستگان و دیگر اقشار جامعه
-

## مقدمه گزارش نقض حقوق بشر در ایران، آذر ۱۴۰۴

### تداوم سونامی اعدام‌ها

آذرماه ۱۴۰۴، یکی از خون‌بارترین دوره‌های ثبت‌شده در کارنامه جمهوری اسلامی از منظر نقض حق حیات و تشدید سرکوب سازمان‌یافته بوده است. یافته‌های لیگ حقوق زندانیان ایران که بر پایه داده‌های میدانی، منابع مستقل حقوق بشری، شهادت خانواده‌ها و گزارش‌های محلی گردآوری شده، نشان می‌دهد که دست‌کم ۳۵۴ زندانی در این ماه اعدام شده‌اند؛ آمار بی‌سابقه که استمرار روندی صعودی و نگران‌کننده را تأیید می‌کند؛ روندی که ماه‌به‌ماه رکورد بالاترین میزان اعدام‌ها پس از دهه ۱۳۶۰ را جابه‌جا می‌کند.

در آذر ۱۴۰۴، آمار اعدام‌ها با ۳۵۴ مورد، نسبت به آذر ۱۴۰۳ که ۱۴۵ اعدام ثبت شده بود، با افزایشی حدود ۱۴۴ درصدی همراه بوده است. به عبارت دقیق‌تر، تعداد اعدام‌ها در آذر ۱۴۰۴ بیش از دو و نیم برابر سال قبل شده و نشان‌دهنده شدیدترین جهش سالانه در آمار اعدام‌های ماه آذر طی دست‌کم چهار سال گذشته است.

این آمارها صرفاً بیانگر اجرای احکام قضایی نیستند، بلکه از سیاستی سیستماتیک و هدفمند برای استفاده از مجازات اعدام به‌عنوان ابزار کنترل سیاسی، ایجاد رعب اجتماعی و مهار اعتراضات مردمی حکایت دارند. افزایش شتاب‌زده اعدام‌ها، هم‌زمان با گسترش نارضایتی‌های اجتماعی، اعتراضات صنفی و استمرار مقاومت زندانیان سیاسی، نشان می‌دهد که حکومت از سلب حق حیات به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بقای خود بهره می‌گیرد.

در این ماه، شکاف عمیق میان واقعیت میدانی و روایت رسمی حکومت بیش از پیش آشکار شد. مقامات جمهوری اسلامی تنها اجرای حکم ۸ زندانی را به‌طور رسمی اعلام کرده‌اند، در حالی که ۳۴۶ مورد دیگر به‌صورت پنهانی، بدون اطلاع‌رسانی عمومی، خارج از نظارت مستقل و در نقض آشکار اصول دادرسی منصفانه اجرا شده است. این اعدام‌های مخفیانه که از طریق افشاگری فعالان حقوق بشر، خانواده‌های زندانیان و منابع محلی مستقل مستند شده‌اند، خود مصداق بارز نقض حق دسترسی به اطلاعات، حق دانستن خانواده‌ها و منع رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، اجرای دست‌کم سه اعدام در ملأعام در این ماه، نشان‌دهنده بازگشت آگاهانه حکومت به نمایش خشونت عریان دولتی است؛ رویکردی که هدف آن نه اجرای عدالت، بلکه ارباب جمعی، تحقیر کرامت انسانی و عادی‌سازی مرگ دولتی در فضای عمومی است. مطابق با استانداردهای حقوق بین‌الملل، اعدام در ملأعام مصداق روشن رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تلقی می‌شود.

در بستر این سیاست‌ها، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی عملاً به ستون فقرات ماشین سرکوب تبدیل شده است؛ نهادی که با صدور احکام سنگین، تأیید شتاب‌زده احکام اعدام، استفاده گسترده از شکنجه،

اعترافات اجباری و محرومیت سیستماتیک از دادرسی عادلانه، تمامی معیارهای بنیادین عدالت قضایی را نقض می‌کند. در این ساختار، قانون نه ابزار تحقق عدالت، بلکه پوششی شبه‌حقوقی برای مشروعیت‌بخشی به خشونت سازمان‌یافته حکومتی است.

هم‌زمان با این وضعیت، جمهوری اسلامی برای هفتاد و دومین بار به‌دلیل نقض فاحش، گسترده و سیستماتیک حقوق بشر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد محکوم شده است؛ محکومیتی که بیانگر تداوم مصونیت ساختاری آمران و عاملان این جنایات و بی‌اعتنایی حاکمیت به تعهدات بین‌المللی خود است.

لیگ حقوق زندانیان ایران تأکید می‌کند که تداوم این وضعیت، نتیجه مستقیم بی‌عملی و فقدان اقدامات مؤثر جامعه بین‌المللی است؛ وضعیتی که رژیم ایران را به تشدید استفاده ابزاری از مجازات اعدام تشویق کرده است. در چنین شرایطی، بهره‌گیری فعال از سازوکارهای پاسخگویی بین‌المللی، از جمله اصل صلاحیت جهانی، پیگیری قضایی در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی، و حمایت عملی از کنش‌های اعتراضی زندانیان سیاسی، به‌ویژه کارزار هفتگی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و تجمعات خانواده‌های زندانیان، نه‌تنها یک مطالبه حقوق بشری، بلکه ضرورتی فوری برای حفاظت از جان انسان‌ها و جلوگیری از تکرار جنایت محسوب می‌شود.

این گزارش ماهانه، تلاشی است برای ثبت، مستندسازی و شکستن چرخه سکوت؛ چرخه‌ای که حیات زندانیان را به بهای بقای سیاسی حاکمیت قربانی می‌کند.

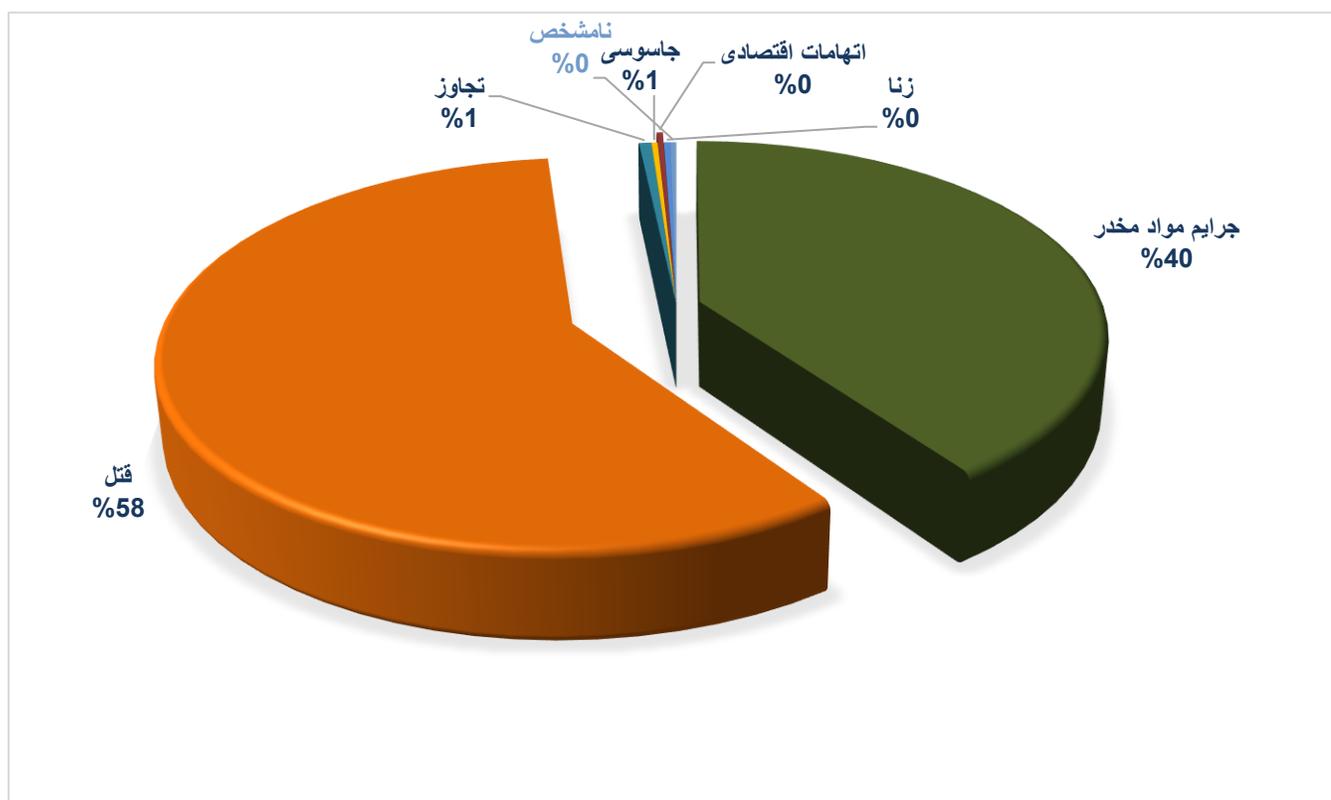
## ۱. آمار کلی اعدام‌ها در آذر ماه ۱۴۰۴

بر اساس گزارش مرکز آمار لیگ حقوق زندانیان ایران، در آذرماه ۱۴۰۴ دست‌کم ۳۵۴ زندانی در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند؛

### تفکیک اتهامات زندانیان اعدام‌شده

- جرایم مرتبط با مواد مخدر: ۱۴۲ زندانی
- قتل: ۲۰۶ زندانی
- تجاوز: ۲ زندانی
- جاسوسی: ۱ زندانی
- اتهامات اقتصادی (اخلال در نظام اقتصادی): ۱ زندانی
- زنا: ۱ زندانی
- اتهام نامشخص: ۱ زندانی

## نمودار توزیع اتهامات در میان اعدام‌شدگان آذر ۱۴۰۴



## ۲. روند اعدام‌ها از آغاز سال ۱۴۰۴ تا پایان آذر

از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا پایان آذرماه، دست‌کم ۱۸۲۲ زندانی در زندان‌های مختلف ایران از طریق طناب دار به کام مرگ کشیده شدند.

### نمودار روند افزایشی اعدام‌ها در نه ماه نخست سال ۱۴۰۴

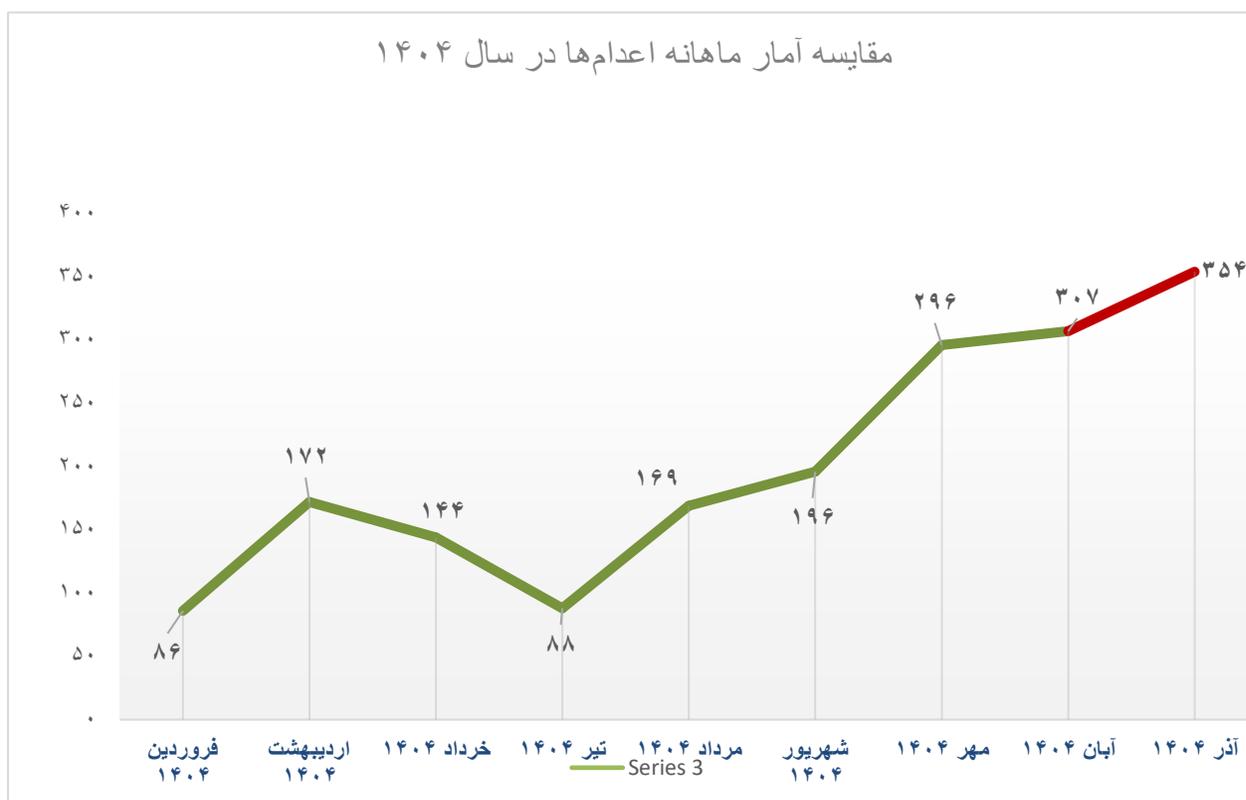
بر اساس داده‌های مستند «لیگ حقوق زندانیان ایران»، اجرای احکام اعدام در آذر ۱۴۰۴ وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از شدت، شتاب و پنهان‌کاری ساختاری شد. در حالی که آمار نهایی آبان‌ماه با ثبت ۳۰۵ اعدام بسته شده بود، ثبت ۳۵۴ اعدام در آذر نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۶ درصدی نسبت به ماه پیش است؛ افزایشی معنادار که از تداوم و تشدید سیاست اعدام‌های انبوه حکایت دارد.

این جهش آماری نه حاصل روندهای قضایی عادی، بلکه بازتاب مدیریت آگاهانه چرخه کشتار از سوی حکومت است؛ چرخه‌ای که هم‌زمان با گسترش نارضایتی‌های اجتماعی و تداوم اعتراضات مدنی، به‌ویژه

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی تحت عنوان «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، شدت گرفته است. آذر ۱۴۰۴ را باید نقطه اوج این سیاست در سال جاری دانست؛ ماهی که در آن، مجازات اعدام به ابزار مرکزی اعمال هژمونی امنیتی بدل شد.

افزایش چشمگیر اعدام‌ها در آذر، در تداوم الگوی ماه‌های پیشین، نشان می‌دهد که حکومت با ترکیب افزایش کمی اعدام‌ها و پنهان‌سازی سیستماتیک، سیاست «وحشت‌افروزی مستمر» را دنبال می‌کند؛ سیاستی که در آن، اعدام نه صرفاً به‌عنوان مجازات، بلکه به‌مثابه ابزاری سیاسی، روانی و اجتماعی برای کنترل جامعه به کار گرفته می‌شود.

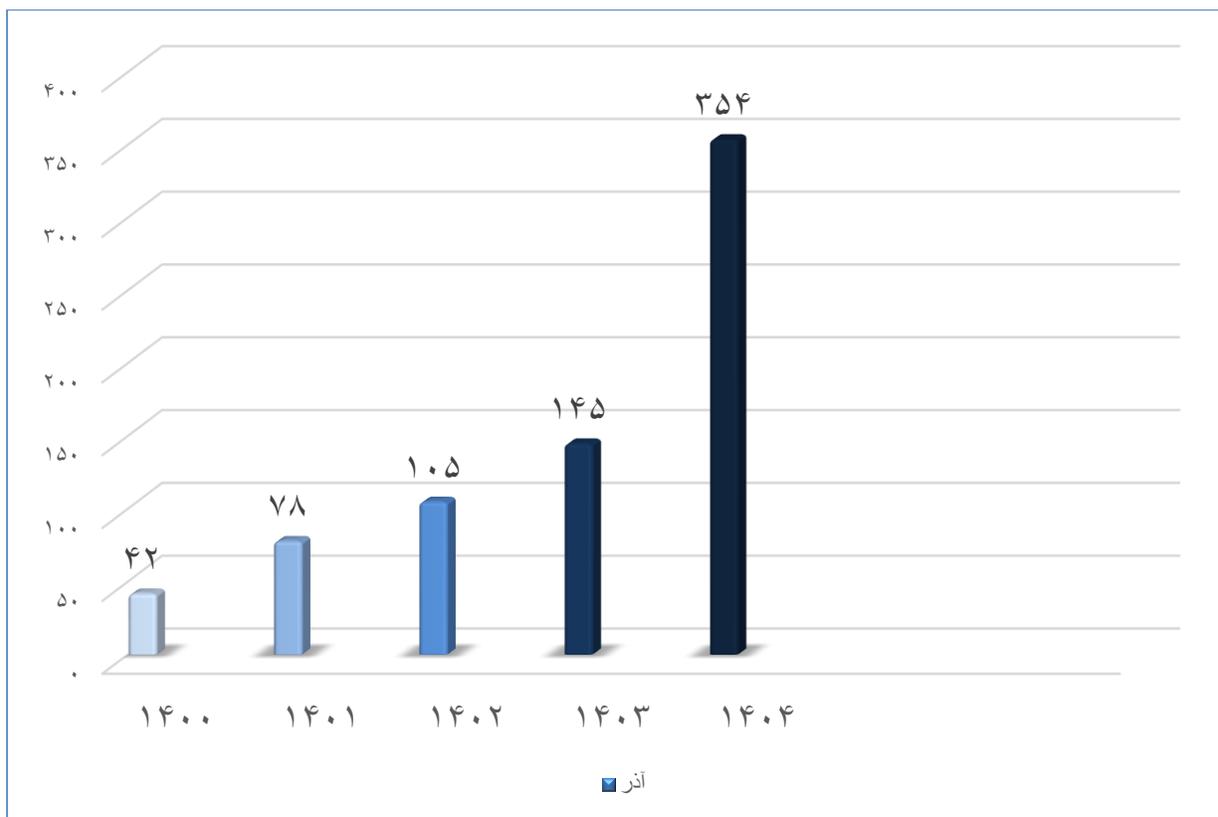
در این چارچوب، ثبت ۳۵۴ اعدام در آذر ۱۴۰۴ صرفاً یک رقم آماری نیست، بلکه نشانه‌ای روشن از تثبیت الگوی حکومتی سرکوب از طریق مرگ است؛ الگویی که با عبور از آستانه‌های پیشین، به‌طور سیستماتیک حق حیات را نقض کرده و کرامت انسانی را به ابزاری مصرفی در معادلات امنیتی بدل می‌کند. نمودار زیر افزایش ماهانه اعدام‌ها در طول هشت ماه سال جاری را نشان می‌دهد؛ با ذکر این مورد که ۲ مورد اعدام در ماه آبان بعد از انتشار گزارش افشا و توسط «نفس در قفس» اطلاع‌رسانی شد.



## نمودار مقایسه آمار افزایش اعدام‌ها در طول آبان ماه در پنج سال اخیر (۱۴۰۰-۱۴۰۴)

بررسی آمار اعدام‌ها در ماه آذر طی پنج سال گذشته نشان‌دهنده روندی صعودی، مستمر و جهشی است. تعداد اعدام‌ها از ۴۲ مورد در آذر ۱۴۰۰ به ۳۵۴ مورد در آذر ۱۴۰۴ رسیده است؛ یعنی افزایشی معادل حدود ۷۴۳ درصد در یک بازه پنج‌ساله. به بیان دیگر، آمار اعدام‌ها در آذر ۱۴۰۴ بیش از ۸ برابر آذر ۱۴۰۰ شده است.

نمودار زیر روند افزایش آمار اعدام در طول ماه آذر در ۵ سال اخیر را نشان می‌دهد.



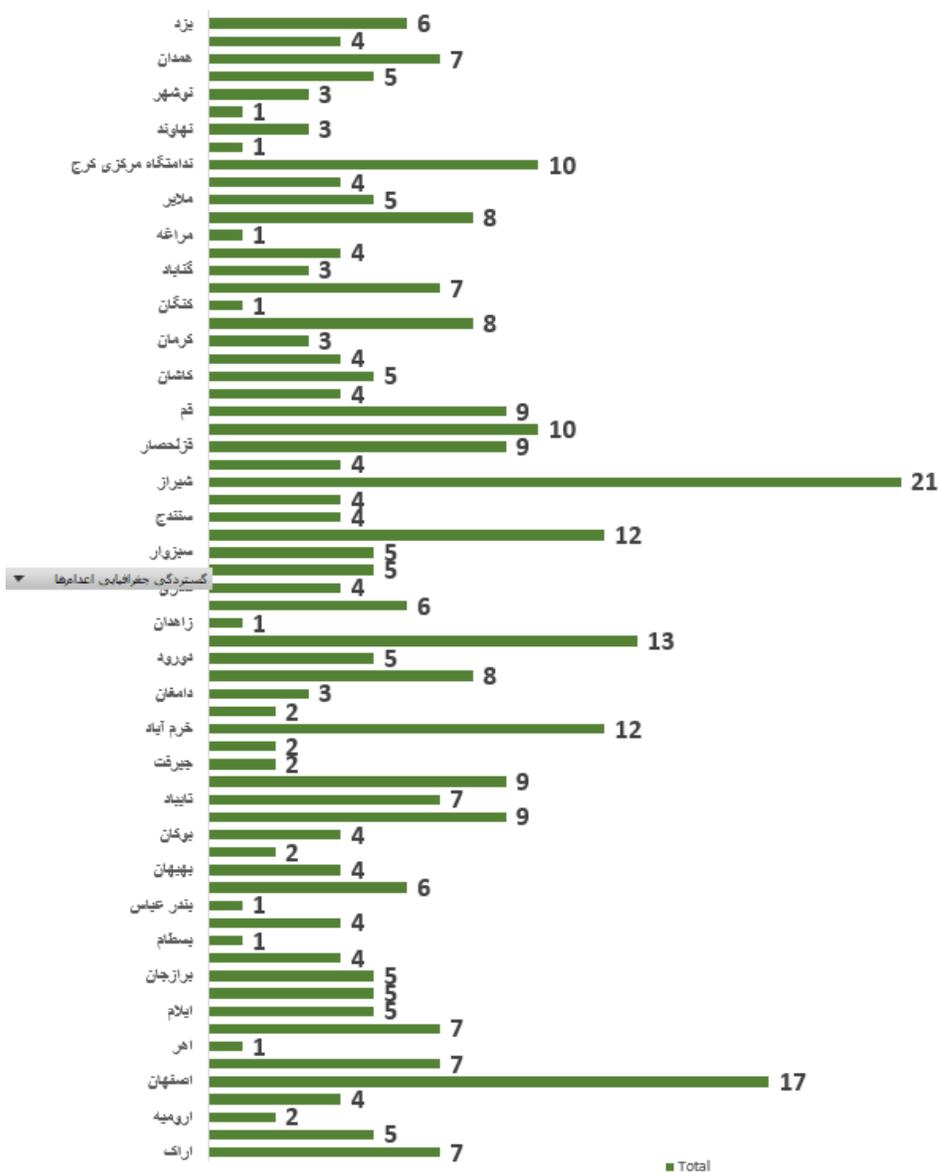
از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا پایان آذر ماه، دست‌کم ۱۸۲۲ زندانی در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند. این در حالی است که در بازه زمانی مشابه در سال گذشته (فروردین تا آذر ۱۴۰۳)، تعداد ثبت‌شده اعدام‌ها ۹۶۰ مورد بوده است.

### ۳. پراکنندگی جغرافیایی اعدام‌ها:

در آذر ۱۴۰۴، اعدام‌ها در گستره‌ای وسیع از کشور و حداقل در ۶۷ شهر مختلف ثبت شده‌اند؛ گستره‌ای که نشان می‌دهد چرخه اعدام به یک روند سراسری و روزمره در ساختار سرکوب جمهوری اسلامی تبدیل

شده است. در این میان، شیراز بالاترین آمار اعدام را به خود اختصاص داده است و بعد از آن کرج با وجود دو زندان فعال، رکورددار بیشترین تعداد اعدام بوده است. اعدام‌ها در این شهر در زندان قزلحصار و ندامتگاه مرکزی کرج اجرا می‌شوند. هرچند پس از اعتصاب غذای گسترده زندانیان قزلحصار در ماه گذشته، اجرای احکام مربوط به جرایم مواد مخدر به‌طور موقت متوقف شده، اما در مقابل، اعدام زندانیان متهم به قتل در همین زندان با سرعت نگران‌کننده‌ای رو به افزایش است. تنها در یک ماه، ۲۰ زندانی در قزلحصار اعدام شده‌اند؛ رقمی که این زندان را عملاً به «قتلگاه زندانیان» تبدیل کرده است.

پراکنندگی جغرافیایی اعدام‌ها که در نمودار زیر قابل مشاهده است، نشان می‌دهد پس از شیراز و کرج، شهرهای اصفهان، رشت و خرم‌آباد در رده‌های بعدی قرار دارند و بخش قابل‌توجهی از اعدام‌های آبان را به خود اختصاص داده‌اند. این الگو نشان‌دهنده تمرکز اعدام‌ها در مجموعه‌ای از استان‌های مشخص است که نقش محوری در سیاست اعدام‌محور حکومت ایفا می‌کنند.



#### ۴. پنهان‌کاری سیستماتیک و فقدان شفافیت

از منظر تحلیلی، نسبت میان اعدام‌های اعلام‌شده و اعدام‌های پنهان‌شده در آذرماه ۱۴۰۴ خودگویای عمق بحران شفافیت و پاسخگویی در نظام قضایی جمهوری اسلامی است. از مجموع ۳۵۴ مورد اعدام ثبت‌شده در این ماه، تنها ۸ مورد، معادل کمتر از ۳ درصد، از سوی رسانه‌ها و منابع رسمی حکومت اعلام شده‌اند، در حالی که ۳۴۶ مورد دیگر، یعنی بیش از ۹۷ درصد اعدام‌ها، نه از طریق کانال‌های رسمی، بلکه از مسیر افشاگری فعالان حقوق بشر، شهروند-خبرنگاران و خانواده‌های زندانیان توسط «لیگ حقوق زندانیان ایران» ثبت شده‌اند.

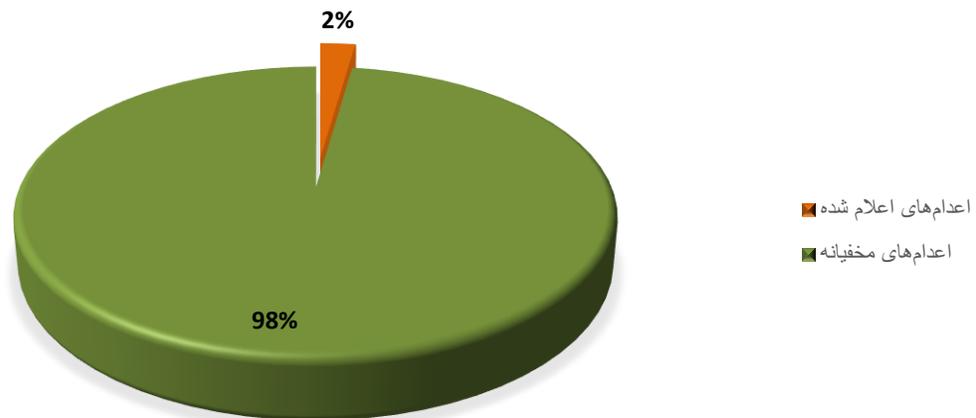
این شکاف فاحش آماری نشان می‌دهد که پنهان‌کاری نه یک استثناء، بلکه یک رویه سازمان‌یافته در اجرای مجازات اعدام است. عدم اعلام رسمی اکثریت مطلق اعدام‌ها، بیانگر تلاش عامدانه حکومت برای مدیریت پیامدهای اجتماعی و بین‌المللی کشتار زندانیان، کاهش حساسیت افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری موج‌های اعتراضی است. در چنین شرایطی، قوه قضاییه عملاً از ایفای حداقل الزامات شفافیت و پاسخگویی شانه خالی کرده و حق دانستن خانواده‌ها و جامعه را به‌طور سیستماتیک نقض می‌کند.

از منظر حقوق بشری، این سطح از اعدام‌های مخفیانه نقض هم‌زمان چندین اصل بنیادین حقوق بین‌الملل است؛ از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق دادرسی عادلانه، منع رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، و حق خانواده‌ها برای آگاهی از سرنوشت عزیزان خود. پنهان‌سازی اعدام‌ها همچنین زمینه را برای نقض‌های مضاعف، مانند دفن‌های مخفیانه، عدم تحویل اجساد و حذف اسامی قربانیان از اسناد رسمی، فراهم می‌کند و چرخه مصونیت عاملان را تقویت می‌سازد.

در مجموع، واقعیت اینکه بیش از نود و هفت درصد اعدام‌ها تنها از طریق منابع مستقل افشا شده‌اند، نشان می‌دهد که ماشین اعدام در ایران نه تنها فعال، بلکه عمداً از دید عمومی پنهان نگه داشته می‌شود؛ وضعیتی که مسئولیت جامعه بین‌المللی را برای اقدام فوری، مستقل و مؤثر در برابر این نقض گسترده و سیستماتیک حق حیات دوچندان می‌کند.

 نمودار نسبت اعدام‌های اعلام‌شده رسمی به اعدام‌های مخفیانه:

## نسبت اعدام‌های رسمی به اعدام‌های مخفیانه



### ۵. اعدام زنان و اطفال مجرم

بر اساس گزارش مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران، در آذرماه ۱۴۰۴ دست کم ۱۰ زن در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند. با احتساب این موارد، شمار زنان اعدام‌شده از ابتدای سال جاری به ۶۰ نفر رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با کل آمار ۳۸ زن اعدام‌شده در سال گذشته، افزایشی بیش از ۵۸ درصدی را تنها در کمتر از یک سال نشان می‌دهد. این جهش کمی، بیانگر تشدید نگران‌کننده استفاده از مجازات اعدام علیه زنان و عمیق‌تر شدن شکاف جنسیتی در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی است.

### تفکیک اتهامات

اعدام زنان در آذرماه در دو دسته اصلی اتهامی صورت گرفته است:

#### ۱. اتهام «قتل» (۷ مورد)

در این ماه، هفت زندانی زن به اتهام قتل در زندان‌های مشهد، تبریز، ارومیه، قم، قزلحصار و همدان اعدام شدند. هویت این زندانیان عبارت است از:

مهین رحیمی، الناز حبیبی، رعنا فرج‌اوغلی، صدیقه قربانی، حمیده جباری (۴۱ ساله)، راضیه عباسی (۴۰ ساله) و مهدیه کیهانی (۴۲ ساله).

پرونده رعنا فرج‌اوغلی به‌طور خاص ابعاد عمیق‌تری از خشونت ساختاری علیه زنان را آشکار می‌کند؛ او در ۱۶ سالگی و در قالب کودک‌همسری اجباری به عقد مردی درآمد که ۱۹ سال از او بزرگ‌تر و

دارای سه فرزند از ازدواج قبلی بود. چنین پرونده‌هایی نشان می‌دهد که نظام قضایی، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی، خشونت خانگی، اجبار، نابرابری جنسیتی و فقدان حمایت‌های قانونی، زنان را صرفاً به‌عنوان «عامل جرم» محاکمه و مجازات می‌کند.

## ۲. اتهام «جرایم مرتبط با مواد مخدر» (۳ مورد)

در همین ماه، سه زندانی زن به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر در زندان‌های شیراز و مشهد اعدام شدند. هویت این زندانیان شامل **مینا صدیقی (۴۱ ساله)**، **مهین رشیدی (۳۹ ساله)** و **یک زن با هویت نامعلوم** است. این موارد بار دیگر نشان می‌دهد که زنان، به‌ویژه در شرایط فقر، حاشیه‌نشینی و نبود حمایت اجتماعی، به‌طور نامتناسب قربانی سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و ناکارآمد در حوزه مواد مخدر می‌شوند؛ سیاست‌هایی که به‌جای رویکردهای درمان‌محور و حمایتی، بر مجازات مرگ تکیه دارند.

افزایش چشمگیر اعدام زنان در سال جاری، نه پدیده‌ای تصادفی، بلکه نتیجه ترکیب سیاست‌های کیفری خشن، تبعیض جنسیتی ساختاری و فروپاشی حمایت‌های اجتماعی است. در اغلب این پرونده‌ها، نشانه‌هایی از دادرسی ناعادلانه، فقدان دسترسی مؤثر به وکیل مستقل، بی‌توجهی به سابقه خشونت خانگی، کودک‌همسری، اجبار و شرایط نابرابر اجتماعی دیده می‌شود. این وضعیت نقض آشکار تعهدات بین‌المللی ایران در قبال حق حیات، اصل تناسب جرم و مجازات، منع تبعیض جنسیتی و حمایت ویژه از زنان در معرض خشونت محسوب می‌شود.

---

## ۶. اقلیت‌های قومی و تبعیض ساختاری

آمارهای ثبت‌شده نشان می‌دهد که دست‌کم ۱۸ زندانی از اعدام‌شدگان از اقلیت‌های قومی بوده‌اند؛ از جمله ۱۲ زندانی کرد و ۶ زندانی بلوچ. این توزیع نابرابر، بار دیگر انگشت اتهام را به سمت رویه‌های تبعیض‌آمیز و امنیتی‌سازی مستمر اقلیت‌های قومی در ایران نشانه می‌گیرد.

علاوه بر این، در میان اعدام‌شدگان ۷ شهروند افغانستان و ۲ شهروند عراقی نیز حضور داشته‌اند؛ مسئله‌ای که نگرانی‌ها درباره نبود دادرسی عادلانه برای اتباع خارجی، فقدان دسترسی به مترجم و مشاوره حقوقی، و آسیب‌پذیری مضاعف مهاجران را تشدید می‌کند.

---

## ۷. اعدام در ملأعام

در آذرماه دست‌کم سه زندانی در ملأعام اعدام شدند؛ دو نفر در سمنان که هویت یکی از آنان **مصطفی آجدانی** احراز شده و یک زندانی دیگر به نام **محمد ذاکری** در **بrazجان** حلق‌آویز شد. اجرای سه اعدام در

ملأعام در طول یک ماه، پس از دهه ۱۳۶۰ بی سابقه بوده و بیانگر بازگشت حکومت به نمایش عریان خشونت دولتی است.

## ۲. صدور و تأیید احکام اعدام

در آذرماه ۱۴۰۴، دست کم برای ۱۸ متهم حکم اعدام صادر شد و حکم اعدام ۵ زندانی دیگر نیز توسط دیوان عالی کشور تأیید گردید. از مجموع احکام صادرشده، ۸ مورد مربوط به زندانیان سیاسی، ۹ مورد مربوط به متهمان پرونده‌های قتل (از جمله یک زن) و یک مورد مربوط به اتهام تجاوز بوده است.

در میان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام، کریم خجسته به اتهام «بغی از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق» توسط شعبه اول دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی احمد درویش به اعدام محکوم شد. همچنین پویا قبادی، وحید بنی‌عامریان، بابک علیپور، محمدتقی سنگدهی، اکبر دانشورکار و ابوالحسن منتظر بار دیگر به اتهام «بغی از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق» توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اعدام محکوم شدند. رامین زله نیز به اتهام «بغی از طریق عضویت در حزب دموکرات کردستان ایران» توسط شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد به ریاست قاضی احد صیامی به اعدام محکوم شد.

علاوه بر این، احکام اعدام ۲ زندانی سیاسی، محمدجواد وفایی ثانی (به اتهام تحریک و تخریب اماکن خاص و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق) و محراب عبدالله‌زاده (به اتهام افساد فی الارض و مشارکت در قتل یک بسیجی)، همراه با ۳ متهم دیگر در پرونده‌های قتل، توسط دیوان عالی کشور تأیید شد. این روند نشان‌دهنده استمرار استفاده دستگاه قضایی از مجازات اعدام، به‌ویژه علیه مخالفان سیاسی، بدون رعایت معیارهای دادرسی منصفانه است.

## ۳. احکام شلاق

در آذرماه، برای ۱۳ متهم حکم شلاق صادر شد. از این میان، حکم شلاق ۱۱ متهم به اخلال در نظام دارویی توسط دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی تأیید شد؛ با این حال، تعداد ضربات شلاق در احکام صادره مشخص نشده است.

همچنین نیما اشرف‌زاده، مدیرعامل شرکت «پیندو» (از شرکت‌های زیرمجموعه دیجی‌کالا)، به اتهام برگزاری جشن شب یلدا به صورت مختلط و «کشف حجاب تعدادی از بانوان» به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. یک متهم دیگر نیز به اتهام تحریک، جنایت بر مقتول و سرقت به ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم گردید.

مجازات شلاق از مصادیق روشن مجازات‌های بدنی و تحقیرآمیز است که به‌طور ذاتی ناقض کرامت انسانی بوده و طبق ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مشمول ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. استمرار صدور این احکام، به معنای قانونی‌سازی شکنجه در نظام قضایی جمهوری اسلامی و نقض آشکار تعهدات بین‌المللی ایران است.

#### ۴. موج بازداشت‌ها

در آذرماه ۱۴۰۴، دست‌کم ۱۸۳ شهروند به دلایل سیاسی، عقیدتی، اتنیکی، شرکت در مراسم تشییع دکتر خسرو علی‌کردی (وکیل دادگستری) یا به‌دلیل بیان دیدگاه‌های خود در فضای مجازی بازداشت شدند. در میان بازداشت‌شدگان، زندانیان سیاسی سابق، خانواده‌های دادخواه، فعالان سیاسی، مدنی، رسانه‌ای، هنرمندان، شهروندان بهایی و شرکت‌کنندگان در تجمعات اعتراضی دیده می‌شوند.

بر اساس گزارش خبرگزاری پلیس، ۱۴ شهروند به‌دلیل شعارنویسی و توزیع یا نصب بنرهای انتقادی بازداشت و به «ارتباط با خارج از کشور» متهم شدند. همچنین رئیس کل دادگستری استان مازندران از بازداشت ۱۱ نفر از اعضای یک کانال تلگرامی به اتهام «برهم زدن امنیت کشور» خبر داد. در مواردی دیگر، فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی از بازداشت شهروندان به اتهام آتش‌زدن اماکن حکومتی یا شعارنویسی خبر دادند؛ اتهاماتی که غالباً بدون ارائه مستندات شفاف مطرح شده‌اند.

#### ۵. وقایع درون زندان‌ها

در این ماه، دست‌کم ۷ زندانی، از جمله یک زندانی عقیدتی، در زندان‌های مختلف کشور جان خود را از دست دادند. علت اصلی این مرگ‌ها، تأخیر در رسیدگی پزشکی، فقدان امکانات درمانی، فشارهای روانی و شرایط غیرانسانی زندان گزارش شده است. موارد ثبت‌شده شامل مرگ زندانیانی در زندان‌های بوکان، اهواز، کرمانشاه، بابل، مشهد، مهاباد و سلماس است. این موارد مصداق روشن نقض حق حیات و مسئولیت مستقیم حاکمیت در حفظ جان زندانیان به شمار می‌رود.

#### ۶- محکومیت‌های قضایی و اجرای احکام

در آذرماه، برای ۳۲ پرونده مرتبط با متهمان سیاسی و عقیدتی احکام قضایی صادر شد که مجموع آن شامل ۱۷۲ سال، ۶ ماه و ۲۷ روز حبس و ۵۳۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان جزای نقدی است. همچنین ۷ محکوم سیاسی و عقیدتی جهت اجرای احکام صادره بازداشت شدند. دامنه افراد محکوم‌شده شامل فعالان سیاسی، خانواده‌های دادخواه، دانشجویان، خبرنگاران، هنرمندان، فعالان اتنیکی، شهروندان بهایی، نوکیشان مسیحی و کاربران فضای مجازی بوده است.

---

## ۷. حوادث کارگری

در آذرماه، به دلیل نبود ایمنی و نظارت کافی، ۴۵ کارگر جان خود را از دست دادند و ۹۷ کارگر دیگر مصدوم شدند. عوامل اصلی این حوادث شامل فقدان تجهیزات ایمنی استاندارد، نبود آموزش و سهل‌انگاری کارفرمایان گزارش شده است. همچنین در این ماه بیش از ۴۴ کارگر اخراج شدند؛ از جمله در شرکت پتروشیمی پتروناد ماهشهر، هویزه، شرکت کشت و صنعت مکران در کنارک و کارخانه داروگر. این اخراج‌ها اغلب بدون ارائه دلایل شفاف و در نقض حقوق بنیادین کارگران صورت گرفته است.

## ۸. خشونت علیه زنان

در آذرماه، ۲۱ زن در نتیجه خشونت مبتنی بر جنسیت به قتل رسیدند. اغلب این قتل‌ها تحت عنوان مبهم «اختلافات خانوادگی» ثبت شده‌اند؛ رویکردی که ماهیت واقعی خشونت ساختاری علیه زنان را پنهان می‌کند. بررسی این موارد نشان می‌دهد که قتل‌ها در بستری از تبعیض قانونی، نابرابری جنسیتی، فقدان حمایت‌های قانونی و ناکارآمدی سازوکارهای پیشگیرانه رخ داده‌اند و مصداق نقض فاحش حق حیات و کرامت انسانی زنان هستند.

---

## ۹. اعتراضات و اعتصابات

در آذرماه، بیش از ۴۳۰ تجمع و حرکت اعتراضی در نقاط مختلف کشور برگزار شد. کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به هفته ۱۹۹ام خود رسید و زندانیان سیاسی و عقیدتی در ۵۵ زندان با اعتصاب غذا به نقض گسترده حقوق بنیادین خود اعتراض کردند. هم‌زمان، خانواده‌های زندانیان سیاسی با تجمعات هفتگی خواستار توقف احکام اعدام شدند. اعتراضات گسترده بازنشستگان، کارگران صنایع نفت و گاز و سایر اقشار جامعه نیز در واکنش به فقر، تبعیض، نقض حقوق شغلی و بی‌توجهی مسئولان ادامه یافت.

---

## جمع‌بندی

گزارش حاضر نشان می‌دهد که آذر ۱۴۰۴ یکی از تاریک‌ترین مقاطع نقض حقوق بشر در ایران بوده است. اجرای دست‌کم ۳۵۴ اعدام، که اکثریت آن‌ها به صورت مخفیانه انجام شده، نشان‌دهنده استفاده سیستماتیک حکومت از مجازات مرگ به عنوان ابزار سرکوب سیاسی و اجتماعی است. قوه قضاییه در این

میان نقشی محوری در نقض حق حیات، دادرسی عادلانه و کرامت انسانی ایفا کرده است. در مقابل، تداوم اعتراضات مردمی، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و مقاومت مدنی خانواده‌ها، بیانگر شکاف عمیق میان جامعه و حاکمیت و استمرار مطالبه عدالت و حق زندگی است.